

## فصل پنجم

### ایل افشار

افشار طایفه ای از ترکان چادر نشین که در بیشتر خاک ایران پراکنده اند و دارای چندین تیره میباشد. خاندان معروف افشاریه یعنی نادرشاه و جانشینان او هم از این طایفه اند. ایل افشار از ایل هائی است که شاه عباس کبیر بدوران سلطنت خویش بناحیه کبکان کوچ داده بود تا در سر راه ازبکان مقاومت کنند (از لغت نامه دهخدا).

قدر مسلم این است که افشار از مغول نیست بدلیل اینکه هنگام یورش چنگیز مبارزات سختی بین آنان در گرفت عده زیادی از آنان از خراسان تبعید شدند. از ترکان اویغور هم نمی باشند بجهت اینکه نامی از آنان در سلطنت های خوارزمشاهیان و مامونیان دیده نمی شود. هنگامی که اسکندر به کشور ما تاخت تا آنرا ضمیمه مستملکات جهانی خود سازد تقریباً بلامانع در همه جا پیش رفت بقول مورخان تنها در کشور آفتاب (خراسان) در چراگاههای نیسا (ایبورد) به مردم کوهستانی و تیراندازان ماهر سواران اشکانی (پارتی) بر خورد و در حقیقت اولین بار بود که اسکندر با مقاومت آریاها مواجه شده بود. آنان تن بانقیاد نظامیان نمیدادند آنان را نیروی بیگانه مهاجم میشمردند.

بعد از اسکندر آنگاه اشرافیت مقدونیه ارتباط کاملی با سیستم ایران پیدا کرد. رژیم حکمرانی ما نیز اشرافی شد. مردان رزمنده م نترس این نقاط برهبری ارشاک طومار حکومت یونانیان را در هم پیچیدند و سلسله اشکانیان را تشکیل دادند. باز هنگامی که مسالمانان فاتح عقیده و رویه خود را در کشور ما تغییر دادند و حکومت آزادیخواهانه اسلام را مبدل بحکومت امپریالیستی تازیان کردند دلهای مشعلداران آزادی ایران تپیدن گرفت از سینه های فیاض و مرد خیز کوهستانی اتک (ایبورد و نسا) مردی بنام عبدالرحمن ابومسلم خراسانی پیاخاست. بی شک مشعلی هم که ابومسلم بمشت گرفت با آن بزویای تاریک امپراطوری اسلام پر تو امید و آزادی بخشید همان مشعل مقدسی که سپتیا ما و ارشاک نیکان دلاور وی با آن تاریکی را از محیط وطن ما زدودند.

احمد علی کهزاد محقق و تاریخ نویس مشهور افغان در صفحه ۶۵ جلد سوم تاریخ افغان زایشگاه ابومسلم خراسانی را سپید دژ از محال میمنه یا میهنه مولد ابو سعید ابوالخیر نوشته است و میمنه را همان نسا و ایبورد مینویسد. پرفسور بارتولد روسی نیز میمنه را جزو محال ایبورد (درگز) می شمارد.

اما افشارهای تبعید شده بمغرب ایران بزودی بهمراه هشت ایل شجاع و وطن پرست ایرانی برای جبران خرابی چنگیزیان جنبش مدبرانه و عمیقی پدید آوردند و همینکه مغولها بر ایران مسلط شدند جوجی خان پسر بزرگ چنگیز حکمران اتک (ایبورد) و خوارزم شد بعد از سرکوبی افشار و کشتار بی رحمانه سلحشوران خراسانی عده زیادی از ایل افشار را که در این جنگها شجاعت و پایداری عجیبی از خود نشان داده بودند از حدود خراسان بمغرب ایران تبعید کرد. با اینکه تیره های نخبه ایل افشار از ناحیه درگز تبعید شده بودند طولی نکشید بقیه افراد این ایل با کمک سایر ایلات رادکان و کلات علیه حکومت مغولها قیام کردند حکمرانان چنگیزی را بقتل رسانیدند حکومت مستقلی در خراسان اعلام کردند. بالمآل صفویان برای تحقق تام و تمام استقلال ایران روی کار آمدند. در این جنبش اکثریت نیروی ارتش ایران در دست افشار بود. کوشش زیاد ایل افشار در پیروزی شاه اسمعیل شخصیت سیاسی با ارزش برای آنان در دستگاه صفوی بوجود آورد. سلاطین صفوی به سران افشار اعتماد زیادتری داشتند. این افشارها که بر اثر فعالیت در دستگاه

صفوی به افشار قزلباش معروف شده بودند ابتدا سعی کردند به مرز و بوم اجدادی خود (ایبورد) برگردند ولی پادشاهان صفوی با این درخواست آنان موافقت نمی کردند وجود آنانرا در اردوی قزلباش و پایتخت که تبریز بود لازم تر میدانستند.

شاه اسمعیل بکمک افشار قسمتی از خراسان را که مدتی بود در دست ازبکها بود تسخیر کرد شیبک خان را بهلاکت رسانید ولی باز هم این قوم غارتگر و راهزن از تجاوز و چپاول دست برنمیداشتند. عاقبت سران بزرگ شجاع افشار از قبیل احمد سلطان افشار، سنجاب خان افشار، شاهرخ بیگ افشار در این نبردها ازبکها را گوشمال سختی دادند. (در مورد تاریخ بازگشت افشار از غرب به خراسان بین مورخان اختلاف نظر است. بعضی آنرا در زمان شاه اسمعیل و برخی در زمان شاه عباس میدانند ولی تاریخ اخیر درست تر بی نظر میرسد).

در سال ۱۰۰۶ شاه عباس عده ای از اکراد دلاور و افشار قزلباش را بفرماندهی مصطفی خان کنگرلو بجلوگیری ازبکان میفرستند آن غارتگران صحرائی را سخت عقب میرانند نسا و باورد را از وجود آنان پاک میکنند و مرزبانی قوچان و درگز و بجنورد و کلات و سرخس را به افشار سپرده پانزده هزار از دلاوران غرب را که مدتی در نبردها با آنان مشارکت داشتند باین حوالی کوچ داده ساکن می سازد. بعد از ۱۰۶۰ و در گذشت شاه عباس دوم که سعی میکرد با عقب راندن ازبکان آسایش دیرین را باین نقاط باز گرداند اوضاع خراسان بخصوص مرزهای ترکستان دچار بی نظمی و هرج و مرج شد ایلات ایبورد بدو جناح تقسیم شدند. عده ای که رأس آنان قبایل قاجار، احمدلو، پاپالو، و گوندوزلو قرار داشتند روش ساخت و ساز با خان ازبکان را پیش گرفتند و عده ای که در رأس آنان قبایل وطن پرست افشار، قزلباش قرقلو، چاپشلو، قراباشلو، باچاوانلو، زنگلانلو، و اتانلو قرار گرفته بودند با آنان مخالفت ورزیده و اجازه دخالت در امور خراسان را ندادند. بر اثر پیدایش این دو جناح مدتها نفاق شدیدی بین مردم این نقاط بوجود آمد و جناح ضد بیگانه که افشارها بودند کم کم رو بضعف نهاد و افشار از حوالی ایبورد و اتک عقب نشینی کردند. دوران فترت درگز برای افشار قزلباش چندان بطول نیانجامید بعد از یازده سال مهرعلیخان حکمران ایبورد در گذشت جای خود را به برادرزاده اش باباعلی بیگ کوسه احمد لوی افشار داد. باباعلی بیگ با وجود اینکه جوان بود ولی وضع متزلزل و ناپایدار این محیط و روش عمومیش او را مرد سیاستمداری بار آورده بود. نهایت وی خود را از روز اول زمامداری مردی وطن پرست نشان میداد ادعا میکرد حاضر است عاقلانه نفوذ بیگانگان را از درگز ریشه کن سازد. از این رو محرمانه با سران افشار و قبایل وطن پرست تماس گرفته از آنها میخواست سیاست منفی خود را ترک گویند و بدون تظاهر با وی همکاری کنند. یکی از عواملی که در عمیلات ملی و ضد بیگانه حکمران جوان ایبورد مؤثر بوده حیدر بیگ اتانلو برادرزن بابا علی بیگ بود. وی که حرفش تا حدی در حکمران نافذ بود علیرغم نظرات نوکر مآبانه مشاوران بابا علی بیگ و خانها و سران قبایل و کدخدایان و قلعه بانان اتک باباعلی بیگ را راضی کرده بود که با افشار قزلباش همکاری کند و این همکاریها منتهی میشود به اوضاع و احوال نادرشاه افشار، همانطوریکه گفته آمده و خوانندگان عزیز را نیز در جریان خواهیم گذارد.

رستم التواریخ تألیف رستم الحکما در مورد افشار چنین مینویسد:

افشاریه سلسله ای از پادشاهان ایران که از سال ۱۱۴۶ قمری تا حدود ۱۲۱۰ سلطنت کرده اند چون مؤسس این سلسله نادرشاه به شعبه قرقلو از طایفه افشار منسوب بود در تاریخ اعقاب و احفاد او به افشاریه موسوم شده است.